

دومین میهمان ماه، ماهنامه روند اقتصادی
دکتر حیدر پوریان مدیر و سردبیر ماهنامه اقتصاد ایران است

گفت و گو با حیدر پوریان درباره بازار سرمایه در ایران

قانونی که باید دوباره آن را خواند



شورای بورس پیشنهاد کند. در واقع یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز قانون جدید، با قانون قدیم در نظر گرفتن سازوکار لازم برای ابزارسازی و به کارگیری آن در معاملات اوراق بهادر است اگر از این منظر کلی تر به موضوع نگاه کنم وجه تمایز اصلی قانون جدید و قانون قدیم رامی توان در تعریف سازوکار بازار اولیه در قالب قانون جدید بازار اوراق بهادر یافت. چنان که می‌دانید قانون قدیم فقط به بازار ثانویه و معاملات ثانویه اوراق بهادر اشاره داشت و تعریفی درباره بازار اولیه ارائه نمی‌داد.

خوب شیخته قانون جدید، به مقایم بازار اولیه هم توجه دارد، در اینجا باید دقت کنیم که ابزارهای مالی ابتداباری عرضه در بازار اولیه تعریف می‌شوند، البته در مرحله بعد عمدۀ این ابزارهارامی توان در بازار ثانویه نیز به گردش انداخت.

ابزارهای قابل مبادله

هر چند، قانون جدید، وظیفه ابزارسازی را به شورای بورس تفویض کرده، اما در عین حال قانونگذار، برای شمارش و احصاء ابزارهای مالی قابل عرضه در بازار اوراق بهادر لزومی نمیدهد. منتهی در این قانون برخی ابزارهای مهم مالی اشاره و تعریف مشخصی از آنها را شده است. مهم‌ترین موضوع مورد اشاره در قانون جدید ارائه یک تعریف دقیق از مفهوم "اوراق بهادر" است. طبق این تعریف، شورای بورس وظیفه دارد "اوراق بهادر" قابل معامله در بورس ها را تعیین و اعلام کند. علاوه بر این، "بازار ابزار مشتقه" شامل اوراق اختیار معامله و معاملات آتی نیز تعریف شده است. البته در

نویسنده‌گان قانون بازار اوراق بهادر، انجام داده است. در عین حال تلاش شده در تنظیم این گفتار به شکل مقاله، ساختار روابی آن حفظ شود.

امور مالی و مدیریت منابع مالی علم جدیدی است که از ۵۰ سال پیش در دنیا به وجود آمده و توسعه یافته، ولی در نیم قرن گذشته همواره اقتصاد ایران و مستولاً آن نسبت به این مهم بی‌توجه بوده اند و اتفاقاً از همین منظر لطمۀ‌های بسیاری بر ما وارد آمده است. در بازترین وجه آن می‌بینیم که امریکا پیش از اعمال هرگونه تحریم اقتصادی، برای تحریم مالی ایران از طریق فشار وارد آوردن بر بانک‌های زاپنی و اروپایی اقدام کرده است، این موضوع نشان می‌دهد ما از مقوله مالیه (Finance) سال‌هاست غافل مانده‌ایم. قانون جدید بازار اوراق بهادر، امکان برآوردن رفت از این غفلت ۵ ساله را برای ما فراهم آورده، و حوزه‌های ابزارهای مالی جدید فقط بخش کوچکی از این امکانات است.

در ادامه تلاش می‌کنیم با بررسی جوانب مختلف مندرج در قانون جدید بازار اوراق بهادر به بررسی بخش مرتبط با طراحی ابزار مالی جدید برای بورس تهران پردازیم.

قانون جدید بازار اوراق بهادر، وظیفه ابزارسازی در بازار سرمایه را بر عهده شورای بورس و اوراق بهادر نهاده، به طوری که بند ۴ از ماده ۴ این قانون، تصویب ابزارهای مالی جدید از جمله وظایف شورای بورس اعلام کرده است. طبق قانون جدید، سازمان بورس نیز وظیفه دارد، با بررسی سازوکارهای مربوط، بازار جدید مالی به کار گرفته شده در دنیا را شناسایی کند و آن‌ها را با موازین شرعی مطابقت دهد و در نهایت به شکل آئین نامه به

زمستان ۸۵ مصادف است با چهل سالگی بورس تهران ۴۰ سال پیش با تصویب قانون تشکیل بورس اوراق بهادر، نخستین بازار متشکل سرمایه در ایران شکل گرفت. اما چهار دهه زمان لازم بود تا در پی فراز و نشیب‌های فراوان، قانون جدید متناسب با شرایط روز اقتصاد ایران برای بازار سرمایه طراحی شود. قانون جدید بازار اوراق بهادر آذرماه سال ۸۴ پس از تایید نهایی شورای نگهبان، برای اجرای به دولت ابلاغ شد. اما با وجود گذشت یک سال از تصویب قانون، تاکنون شورای بورس و مراجع ذی ربط سرعت چندانی در اجرای آن و برقراری ارکان مدنظر قانون جدید نداشته‌اند. در این میان ابزارسازی و فراهم کردن تمهیدات لازم مالی بیش از سایر موضوعات مورد غفلت واقع شده است.

دکتر حیدرپوریان، که در طول ۱۳ سال گذشته همواره به عنوان محور نگارش پیش نویس‌ها و متن‌های پیشنهادی برای قانون جدید بازار اوراق بهادر در کمیته‌های مختلف کاری و کارشناسی حضور داشته، در گفتار پیش رو تلاش دارد با بررسی تبعات چنین غفلتی، عمق تاثیرگذاری قانون جدید را در صورت اجرای کامل و طراحی ابزارهای نوین - توضیح دهد.

دکتر پوریان در این میان با مدد گرفتن از بحث داغ این روزهای محافل اقتصادی، یعنی بودجه سال ۸۶ بحث را به حوزه طراحی و غرضه اوراق بهادری موردم به اسناد خزانه می‌کشاند و از طریق این بررسی موردن توافقی ها و ظرفیت‌های قانون جدید بازار اوراق بهادر را برای تضمیم سازان بازار سرمایه بازمی‌نمایاند.

توضیح آن که این مقاله در واقع برگرفته از گفت و گویی است که ماهنامه روند اقتصادی با دکتر حیدرپوریان، از

بنابراین توجه به ابزارسازی در عین حال می‌تواند بر حوزه درآمد سرانه نیز تاثیر مستقیم بر جای گذارد.

کسری بودجه و ابزار مالی

دولت در حال حاضر با مشکل کسری بودجه و تامین منابع مالی مواجه است. رقم کسری بودجه در سال‌های اخیر افزایش یافته، البته کسری بودجه از زمان جنگ تحملی به این سو، به طور مرتبط در بودجه دولت وجود داشته، ولی هیچ‌گاه کسری بودجه به طور شفاف واقعی در بودجه‌های سالانه، در تمام این دوران، نمایش داده نشده است. متأسفم بگویم که در این سال‌ها نه آقای هاشمی، نه آقای خاتمی و نه آقای احمدی نژاد، هیچ‌یک در مورد مصیبت‌های کسری بودجه دولت سخنی نگفتند و در عین حال راهکاری نیز برای برونو رفت از این شرایط نامطلوب را ندادند. سخن من این نیست که دولت نباید کسری بودجه داشته باشد، هرچند به عنوان یک کارشناس اقتصاد اعتقاد دارم باید بر بودجه دولت همواره انضباط خاصی حاکم باشد و کسری بودجه به حداقل برسد، بحث من به این نکته مغطوف است که از طریق ابزارهای مالی و اوراق بهادران قابل مبادله، طبق تعریف قانون جدید اوراق بهادران، رقم کسری بودجه، چگونه می‌تواند تامین شود.

تخمین‌های اولیه نشان می‌دهد، کسری بودجه سال احتمالاً به ۱۰۰ هزار میلیارد ریال می‌رسد و کسری بودجه سال ۸۶ نیز در همین حدود و احتمالاً با کمی افزایش به ۱۲۰ هزار میلیارد ریال خواهد رسید.

نکته مهم در بحث‌ها، روش تامین رقم کسری بودجه است و فعلًاً به بحث محتوایی درباره علل و تبعات کسری بودجه نمی‌پردازیم.

دولت هم اکنون رقم کسری بودجه را عمده‌تر از طریق استقرار از نظام بانکی تامین می‌کند، این اقدام علاوه بر فشار آوردن بر پایه پولی، بانک‌های را تحت فشار قرار می‌دهد و سیستم پولی کشور را به سوی بی‌انضباطی سوق می‌دهد، ضمن اینکه در نهایت بر تورم بیشتر در فضای اقتصاد دامن می‌زند.

پیشنهاد ما این است که شورای بورس، طبق اختیاراتی که قانون جدید بازار اوراق بهادران، به این نهاد تفویض کرده، ابزاری چون استناد خزانه را در بازار سرمایه احیاء کند، البته چون استناد خزانه نشانه‌هایی از ربوی بودن را در خود دارد، نیاز است ابتدا بررسی‌های کوتاهی در موردن اطباق این ابزار با موذین شرعاً انجام پذیرد. به باور من استناد خزانه می‌تواند به صورت غیربربوی هم عرضه شوند و برای تامین مالی کسری بودجه دولت استفاده شود.

منابع مالی بلندمدت به ویژه برای بخش صنعت باشد.

از طرف دیگر، به طور همزمان اقتصاد ایران از نرخ بالای بیکاری رنج می‌برد، در این میان نگاه عمومی دولت و شخص آقای رئیس جمهوری به این سمت معطوف است که منابع بانکی برای حل معضل بیکاری، عادلانه بین مردم توزیع شود، در صورتی که باید توجه داشته باشیم استفاده از منابع بانکی همواره تورم زاست، زیرا وقتی پایه پولی بالا می‌رود یا زمانی که ذخایر قانونی بانک‌ها-چنان‌که الان بحث آن مطرح است-پایین بیاید، به شدت تورم دامن زده می‌شود. بنابراین باید ابزارهایی طراحی شود که ضمن تامین منابع مالی، به ویژه برای صنعت و ایجاد اشتغال، از بروز تورم هم جلوگیری کند. موضوع دیگری که اهمیت ابزارسازی در بازار سرمایه را یادآوری می‌کند، مشکلات سرمایه‌گذاری در ایران است، سرمایه‌گذاری در اقتصاد نباید فقط به بودجه دولت متکی باشد، بلکه باید در فضای اقتصاد، ابزارهایی وجود داشته باشد که هم دولت و هم بخش خصوصی، بتواتر از طرقی به کارگیری آن، منابع لازم را برای توسعه و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های جدید فراهم آورند. از طرف دیگر، فعالان اقتصاد ایران برای تامین منابع مالی با نرخ‌های تامین منابع بانکی هزینه سود با بهره کرافی رو به رو هستند. تاکنون روش دولت این بوده که با صدور بخشنامه و دستورالعمل نرخ سود و بهره بانکی را کاهش دهد، در صورتی که، اگر شورای بورس به ابزارسازی مالی پردازد، موضوع کاهش هزینه تامین منابع مالی در اقتصاد ایران مسیر درست آن به راحتی حل می‌شود. آخرین نکته آن که، در آمد سرانه ایران به تدریج در حال عقب افتادن از کشورهایی چون قطر، عربستان و نظایر اینهاست، بخشی از این عقب افتادگی محصول افزایش حجم دارایی‌های مالی در این گونه کشورهاست.

این میان احکام مربوط به نوع معامله اوراق آتی (فیوچرز) و اختیار معامله (آپشن) در متن قانون ارائه نشده و وظیفه تدوین آئین نامه‌های لازم برای مبادله این نوع ابزار مالی بر عهده شورای بورس نهاده شده است.

واقعیات امروز

بررسی دقیق قانون جدید بازار اوراق بهادران گویای این واقعیت است که بدون طراحی سریع ابزارهای مالی جدید در شورای بورس و مراجع ذی ربط، قانون جدید بازار اوراق بهادران، از نظر کاربردی نمی‌تواند تاثیر چندانی بر شرایط بازار سرمایه و توسعه اقتصاد ایران بر جای می‌گذارد. هم اکنون متسافنان مشاهده می‌شود، چون گذشته، ۹۰ درصد فعالیت‌های شورای بورس و سازمان بورس اوراق بهادران، بر کنترل فعالیت‌های بازار تأثیرگذار شده، در حالی که علی القاعده باید ۷۰ درصد از رزی و وقت شورای بورس و سازمان بورس، در دوران جدید، به ساماندهی بازار اولیه، ابزارسازی و نهادسازی، طبق ضوابط قانون جدید معطوف شود، اما متسافنان این اتفاق به شکلی دیگر در حال روی دادن است. توجه داشته باشیم، ادامه این شرایط کمکی به بورس کوچک ایران نمی‌کند. شورای بوس، در حالی در درصد اوقات خود را صرف رسیدگی به اوضاع بورس و بازار ثانویه می‌کند که در بهترین شرایط، ارزش جاری بورس تهران ۳۶ میلیارد دلار برآورده می‌شود. حال آن که اگر گردش سهام دولت و شبه دولت را از این رقم کم کنیم گردش واقعی بورس تهران، حداقل ۷ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

باز هم حس می‌زنیم اگر شاخص بورس کمتر مدیریت شود، به طور واقع بینانه و بدون عینک سیاسی، بورس تهران، حداقل یک بورس ۵ میلیارد دلاری است. بنابراین اگر به کسی برنخورد، به اعتقاد من صرف بخش اعظم از رزی شورای بورس برای حفظ چنین بازار کوچکی نه تنها منطقی نیست، بلکه با نقص صریح قانون جدید هم انتطبق ندارد.

لوازم تغییر اوضاع

با توجه به این بحث مقدماتی، حال باید بسیم ابزارهای مالی مورد اشاره در قانون جدید، در صورت افزایش سرعت عمل شورای بورس در طراحی آن‌ها، چگونه می‌تواند به تغییر شرایط اقتصاد ایران یاری رساند. در زمان حاضر یکی از اصلی ترین معضلات اقتصادی در حوزه سرمایه‌گذاری در ایران، تامین منابع مالی بلندمدت است. بررسی شرایط موجود شناس می‌دهد نظام بانکی نمی‌تواند جوابگوی نیازهای بازار تامین

کاهش ریسک

با اینکه اوراق سهام ابزار مناسب و مطلوبی در بازار سرمایه به حساب می‌آید، در عین حال بازده سهام، نوعی "بازده باقی مانده" است، به این ترتیب پس از آن که تمام بازده‌های سایر اوراق بهادر پرداخت شد و هزینه‌هایی چون حقوق و دستمزد و نظایر آن کسر شد، بازده سهام شناسایی می‌شود. بنابراین ریسک سرمایه‌گذاری در سهام بالاست. در حالی که مدیران بازار سرمایه و شورای بورس باید با تکیه بر نص صریح قانون جدید بازار اوراق بهادر، به سمت طراحی اوراق بهادر جدیدی حرکت کنند که بتواند ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش دهند. یکی از مهم‌ترین انواع این اوراق بهادر، اوراق بدھی است. شورای بورس می‌تواند ابزارهای متعددی را در قالب اوراق بدھی - مثل اوراق مشارکت - طراحی کند و به این ترتیب اجازه دهد برخی مقاضیان سرمایه‌گذاری از ریسک بالای اوراق سهام به سوی اوراق کم ریسک‌تری نظیر اوراق بدھی فرار کنند. اسناد خزانه نیز همچون اوراق مشارکت، در قالب همین اوراق بدھی تعریف می‌شوند.

سابقه انتشار

اسناد خزانه در پیش از انقلاب در بورس تهران عرضه می‌شد، البته حجم آن نسبت به حجم اقتصاد ایران در حال حاضر چندان بالاتر نبوده است. مبادله این اسناد پس از انقلاب به دلیل شانه ریوی بودن آن به حال توقف درآمد. پیش از انقلاب قانون و قاعدۀ مشخصی برای مبادله اسناد خزانه به تصویب رسید و این قانون هم‌اکنون موجود است. پیشنهاد من این است که با یک مطالعه سریع، بخش مربوط به مبادله اسناد خزانه بلندمدت را فعلاً و تا زمان حل مسائل شرعی آن معلق کنیم، ولی بخش مربوط به مبادله اسناد کوتاه‌مدت تراکم می‌تواند عصای دست دولت، برای اجتناب از استقراض از بانک‌ها برای تامین کسری بودجه، باشد، احیاء کنیم. با استفاده از این اسناد، دولت می‌تواند، به طور مستقیم از جامعه استقراض کند. به این ترتیب استقراض دولت و تلاش آن برای تامین کسری بودجه برقایه پولی و در نهایت تورم اثر مستقیم بر جای نخواهد گذاشت.

واهکار عملی

بررسی‌های این جانب نشان می‌دهد، در شرایط فعلی می‌توانیم برای رعایت مسائل شرعاً اسناد خزانه کوتاه‌مدت بدون بهره را منتشر کنیم. یعنی می‌توانیم اسناد خزانه‌ای منتشر کنیم که در بازار با تنزیل از قیمت اسمی موردمبادله قرار گیرد. منظور این است که دولت، قیمت اسمی برای اسناد خزانه تعیین می‌کند، مثلاً اسناد خزانه یک ساله‌ای را با قیمت اسمی مشخص منتشر می‌کند، که این اسناد می‌توانند در بازار به مردم و فعالان بخش خصوصی با تنزیل به فروش برسد، مثلاً اگر قیمت اسناد خزانه کوتاه‌مدت دولت، یک هزار تومان تعیین شد، این اسناد می‌توانند در بازار ۹۵۰ تومان

اسناد خزانه می‌تواند ابزار لازم را برای اصلاح ساختار اداره خزانه در اختیار خزانه‌دار کل کشور قرار دهد

مداوم حقوق کارکنان دولت در آغاز هر سال برای جبران تورم دیگر وجود نخواهد داشت. از طرف دیگر اکنون خزانه‌دار دولت در حال حاضر به ارقام بودجه به عنوان یک تجوخه می‌نگردد و همین موضوع موجب می‌شود در زمان کسری، خزانه‌دار از بانک‌ها برای تامین متابع موردنیاز ارش استقراض کند. خزانه‌دار اگر هم بخواهد این نگاه را تغییر دهد، بنا بر مالی لازم را برای تغییر شرایط در اختیار ندارد. اسناد خزانه می‌توانند ابزار لازم را برای اصلاح ساختار اداره خزانه در اختیار خزانه‌دار کل کشور قرار دهد.

پشتواهه اسناد خزانه

در دنیا معمولاً اسناد خزانه را به پشتواهه اعتبار دولت‌ها منتشر می‌کنند، چنان که در ایران در آمده‌های نفتی و مالیاتی و نظایر آن را می‌توان پشتواهه اسناد خزانه به حساب آورده، بنابراین در یک شکل کار، اسناد خزانه می‌توانند به پشتواهه کل اعتبار دولت منتشر شود و در شکل دیگر، برای پژوهه‌های خاصی هم می‌توان اسناد خزانه منتشر کرد.

تأثیر اسناد خزانه بر تورم

با یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت، رشد حجم نقدینگی در سال گذشته ۳۰ درصد بوده، حدس ما این است که ۱۵ درصد از کل این رشد حجم نقدینگی به دلیل کسری بودجه دولت پیش آمده است. به این ترتیب می‌توانیم از طریق جبران کسری بودجه با انتشار خزانه ۱۵ درصد از رشد حجم نقدینگی را جبران کنیم.

آسیب‌شناسی

وقتی از حوزه تاثیر ابزارهای مالی بر اقتصاد صحبت می‌شود باید توجه داشته باشیم، عملکرد این اوراق و بازیگران بازار این اوراق باید بسیار شفاف باشد و در این حوزه‌ها الزامات خاصی، همواره مدنظر قرار گیرد. بنابراین وقتی از صدور اسناد خزانه کوتاه‌مدت سخن می‌گوییم اصلاً منظورمان این نیست که این اسناد به

هر عرضه کننده دیگر اوراق می طبلد.
در این شرایط دو خطر عمده یا مشکل اطلاعاتی بازار اوراق بهادر را تهدید می کنند: نخستین مشکل را با نام "انتخاب نامطلوب" می نشانیم. بر این اساس دولت باید برای هر طرح خود و قبل از جذب منابع گزارش کاملی از پروژه مدنظر، برای اطلاع سهامداران ارائه دهد تا بی اطلاعی احتمالی سرمایه گذاران به انتخاب نامطلوب منجر نشود. مسئله دیگر با عنوان "خطر اخلاقی" شناخته می شود. بر این اساس صادر کننده اوراق بهادر باید به طور مرتباً پس از جذب منابع به سرمایه گذاران گزارش بانک صنعت و معدن، ایدرو و ایمیدرو و نظیر آن به عنوان ابرازی نوین می تواند در دستور کار شورای بورس قرار گیرد. طبق قانون جدید شورای بورس می تواند اجازه صدور اوراق تامین مالی بخش کشاورزی را به نهادهای نظیر بانک کشاورزی اعطای کند. در کنار آن اوراق تجاری، اوراق شهرداری ها و اوراق مشابه این ها از قابلیت طراحی و تصویب در شورای بورس برخوردارند. حتی خدای ناکرده در صورت وقوع جنگ، دولت ها می توانند اوراق بهادر جنگ" صادر کنند. توضیح دهم اوراق جنگ نمونه خارجی داشته است، البته باید تأکید کنیم تازمانی که دل مردم با دولت همراه است، اوراقی چون "اوراق بهادر جنگ"، تامین مالی می شود. به عنوان مثال، در زمان جنگ و قیمت بسیاری از ناراضیان از جنگ و یتام اوراق بهادری را که به بانه جنگ خریده بودند به نشانه اعتراض به دولت وقت آمریکا در مقابل رسانه ها سوزانند. برخی نیز برای بازپس گیری آن به دولت فدرال آمریکا فشار آورند.

البته انشاء الله اعتماد مردم ایران به دولتشان همراه پایر جاست، ولی باید در نظر داشته باشیم بازار اوراق بهادر، بازاری خاص و حساس است. این بازار ارتباط جامعی را بین مردم که فعلاً از قدرت خردشان صرف نظر می کند و اوراق بهادر می خزند با دولت یا بهادر تلقی شود.

توضیح می‌زنیم شورای بورس

باتوجه به قانون جدید بازار اوراق بهادر، توضیح می‌زنیم شورای بورس است، اکنون کشور در حوزه ابرارهای مالی با خلاصه مواجه است. تصویب سازمان بازار سرمایه باید به سمت متنوع کردن ابرارهای قابل مبادله در این بازار حرکت کنند، زیرا همان طور که توضیح داده شد، سرمایه گذاری در اوراق سهام ریسک بالای دارد و شورای بورس وظیفه دارد با استفاده از امکانات قانون جدید، ابرارهای مالی مجید را برای کاهش ریسک بازار و سرمایه گذاران طراحی کند. دولت با همه مشکلاتش، همواره بهترین صادر کننده، اسناد خزانه است، زیرا با توجه به درآمدهای نفتی و مالیاتی و سایر موارد، در باز پرداخت این اسناد چهار مشکل نخواهد شد و سرمایه گذاران نسبت به این موضوع اطمینان کامل دارند. بنابراین انتشار اسناد خزانه می تواند به عنوان گام نخست در طراحی ابرار مالی در قالب قانون جدید بازار اوراق بهادر تلقی شود.

دانش فنی و وزارت خزانه داری

در اینجا اذعان دارم شاید دانش لازم برای اجرای پروژه انتشار اسناد خزانه - حتی در صورت صدو مجوز شورای بورس - نزد خزانه داری ما موجود نباشد. براین اساس حتی شاید لازم باشد، وزارت خزانه داری سرانجام در ایران شکل گیرد. وزارت خزانه داری در همه جای دنیا وظیفه رسیدگی به امورات مالی دولت را برعهده دارد. برای مثال موضوع پرداخت حقوق کارکنان دولت، که اخیراً به وزارت اقتصاد واگذار شده، اساساً کار وزارت خزانه داری است.

تاسیس یک وزارت خانه مستقل و منضبط خزانه داری با دانش فنی بالا، به ویژه در حوزه انتشار اوراق بهادر، از نیازهای ضروری اقتصاد ایران است. این اقدام می تواند بسیاری از مشکلات و مسائل را حل کند. ●

فعالیت هایش طیف وسیعی از اقدامات نظیر پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان، اجرای طرح های عمرانی خرید و ساخت تسليحات نظامی را در بر می گیرد.

بنابراین دولت، هم در فعالیت های جاری و در هم حوزه های سرمایه ای دخالت دارد. بنابراین صدور اوراق بهادر صنعتی در زیرمجموعه های دولت نظیر بانک صنعت و معدن، ایدرو و ایمیدرو و نظیر آن به عنوان ابرازی نوین می تواند در دستور کار شورای بورس قرار گیرد. طبق قانون جدید شورای بورس می تواند اجازه صدور اوراق تامین مالی بخش کشاورزی را به نهادهای نظیر بانک کشاورزی اعطای کند. در کنار آن اوراق تجاری، اوراق شهرداری ها و اوراق مشابه این ها از

قابلیت طراحی و تصویب در شورای بورس برخوردارند. حتی خدای ناکرده در صورت وقوع جنگ، دولت ها می توانند اوراق بهادر جنگ" صادر کنند. توضیح دهم اوراق جنگ نمونه خارجی داشته است، البته باید تأکید کنیم تازمانی که دل مردم با دولت همراه است، اوراقی چون "اوراق بهادر جنگ"، تامین مالی می شود. به عنوان مثال، در زمان جنگ و قیمت بسیاری از ناراضیان از جنگ و یتام اوراق بهادری را که به بانه جنگ خریده بودند به نشانه اعتراض به دولت وقت آمریکا در مقابل رسانه ها سوزانند. برخی نیز برای بازپس گیری آن به دولت فدرال آمریکا فشار آورند.

البته انشاء الله اعتماد مردم ایران به وجود آمده که جذب منابع مالی را برای بخش صنعت و فعالان اقتصادی دشوار ساخته است. دولت ابتدا با تزریق منابع بانکی و نقدینگی حجم نقدینگی را افزایش می دهد در مرحله بعد سعی می کند، بی انضباطی به وجود آمده را از طریق انتشار اوراق مشارکت با بانک مرکزی جبران کند، در حالی که می تواند از همان ابتدا با انتشار اسناد خزانه ضمن جلوگیری از بی انضباطی های مالی رایج در قابل انتشار، برای دولت تعیین کند.

در شرایط فعلی نوعی از دحام مالی به وجود آمده که جذب منابع مالی را برای بخش صنعت و فعالان اقتصادی دشوار ساخته است. دولت ابتدا با تزریق منابع بانکی و نقدینگی حجم نقدینگی را افزایش می دهد در مرحله بعد سعی می کند، بی انضباطی به وجود آمده را از طریق انتشار اوراق مشارکت با بانک مرکزی جبران کند، در حالی که می تواند از همان ابتدا با انتشار اسناد خزانه ضمن جلوگیری از بی انضباطی های مالی رایج در شرایط فعلی، منابع مورد نیاز خود را هم تامین کند.

در این شرایط دیگر بانک مرکزی باید در بازار اوراق مشارکت به عنوان صادر کننده اوراق وارد شود، زیرا بانک مرکزی با چنین بازاری تضاد منافع دارد. ضمن این که هدف اولیه از طراحی ابرازی به نام اوراق مشارکت، تامین مالی بخش خصوصی بوده است. اما هم اکنون بانک مرکزی به نام طرح های عمرانی اوراق مشارکت دولتی منتشر می کند، در حالی که اصلانیازی به دروغ گفتن نیست، دولت می تواند خیلی شفاف و منضبط با انتشار اسناد خزانه مشکلاً خود را برطرف کند.

ابزار مالی و تعریم

اسناد خزانه به طور کل، ابزار مالی بسیار مهمی است که در اختیار حکومت قرار می گیرد. همان طور که می دانید دولت نیازها و فعالیت های متنوعی دارد و